

آه از دست مالاها!

خليل الرحمن خباب

آه از دست ملاها!

خادم الاسلام
خليل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان	:	آه از دست ملاها!
نویسنده	:	خلیل الرحمن خباب
تاریخ انتشار	:	پاییز (خزان) ۱۴۰۱

ایجاد هر نوع تغییر بدون اجازه نویسنده،
مجاز نمی‌باشد و خیانت محسوب می‌گردد!

ارتباط با نویسنده:

وبلاگ: khademulislam.blog.ir

تلگرام: [@Khademulislam](https://t.me/Khademulislam)

واتساپ و ایمو: [+93702837300](https://wa.me/93702837300)



لینک‌های مفید اسلامی:

وبسایت سنت دانلود: <http://www.SunnatDL.com>

تلگرام مرکز هدایت؛ رد اسلام‌ستیزان: [@Hedayat1442](https://t.me/Hedayat1442)

تلگرام کتابخانه اقراراء: [@iqraaLib](https://t.me/iqraaLib)

تلگرام دارالافتاء مجازی اهل سنت: [@Canale_pasokh](https://t.me/Canale_pasokh)

در جوامع کنونی برخی از مردم چنان عادت ناجوانمردانه و زشتی دارند که هرگاه دچار مشکلی شدند، فوراً می‌گویند: «آه از دست ملاهاست!».

اگر جامعه دچار ناامنی شد و مسلمانان به جان یکدیگر افتادند، اگر اقتصاد جامعه به مشکل مواجه شد و مردم دچار فقر و تنگدستی شدند، اگر خدمات آب‌رسانی و... به وظیفه‌شان عمل نکردند، خلاصه اینکه در همه حال ملاها را مقصر می‌دانند.

من از روزی می‌ترسم که قیمت کچالو و پیاز بالا و پایین برود و این مردم باز هم بگویند: آه از دست ملاهاست!

متأسفانه اگر فحشا، بی‌بندوباری، بی‌نمازی، روزه‌خواری، بی‌حجابی و بدحجابی در بین مردم شیوع پیدا کند و آنها با این وضعیت ناگوار مواجه شوند، اصلاً به یاد ملاها و سخنان آنها نمی‌افتند و خود نیز در انجام این کارها شریک می‌شوند؛ اما در اموری که منافع‌شان زیر پا می‌شود و اهداف‌شان به فروپاشی روی می‌آورد، به یاد ملاها می‌افتند و آنها را مقصر می‌دانند.

در وقت رأی‌دهی و انتصاب حکومت، خبری از ملاها نیست؛ کسی با آنها مشوره نمی‌کند و رأی و نظرشان را نمی‌پرسد؛ اما در وقت ظلم و جنایت حکام و اختلاس و دزدی آنها، علیه ملاها دهان باز می‌کنند.

در وقت تجارت، رباخواری و قماربازی، دیدگاه ملاها مهم نیست و هرکس طبق امیال و منافع خود عمل می‌کند؛ اما وقتی دچار مشکل شدند، به ملاها نفرین می‌کنند.

در وقت عروسی و رقص و پای‌کوبی‌شان، نظر ملاها برای‌شان اهمیتی ندارد و هزینه‌های هنگفتی را در این راه به خرج می‌دهند؛ اما وقتی دچار مشکل یا سانحه‌ای شدند، به یاد ملاها می‌افتند.

مدتی پیش، زمانی که تعدادی از جوانان افغانی در ایران با دختری عمل فحشا را انجام دادند و سرانجام او را به قتل رساندند، حکومت ایران دست به عملیات همگانی زد و مهاجرین افغان را مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار داد و جمع انبوهی را از کشور بیرون کرد، تعدادی از جوانان پیام دادند که فلانی! ملاها که همیشه

صدای شان در منابر بالاست و همواره ادعای حق‌گویی دارند، پس چرا در این ماجرا سکوت کردند و چیزی نمی‌گویند؟! در پاسخ گفتم: مگر حرف ملاها برای شما مهم است؟

گفتند: چطور مهم نیست؟

گفتم: دلیل اصلی این ماجرا و این عملیات ظالمانه حکومت ایران چیست؟

خودشان ماجرا را از سیر تا پیاز تعریف کردند و من هم گفتم: مگر همین ملاها همیشه برای شما آیه و حدیث نمی‌خوانند که از کارهای ناروا بپرهیزید و به آنها نزدیک نشوید؛ مگر همین ملاها همیشه نمی‌گویند که جوانان مسلمان! چشم‌چرانی گناه است، تاختن به آبروی مردم حرام است، از خدا بترسید و از کارهای زشت و ناهنجار دوری کنید؟

آیا شما به این سخنان ملاها توجه کردید؟

آیا این‌ها برای تان مهم بود؟

با اظهار تأسف گفتند: متأسفانه نه، توجه نکردیم.

پس لحظه‌ای به خود بیاییم و منصفانه قضاوت کنیم و همه چیز را به گردن ملاها نیندازیم.

ملاها فقط گوینده هستند و کارها توسط مسئولین و قدرتمندان انجام می‌گیرد و ملاها پاسخ‌گوی عملکرد آنها نیستند.

علما همیشه در منابر و خطبه‌های‌شان فضایل نماز و احکام آن را بیان می‌کنند و مردم را از عواقب ناگوار بی‌نمازی آگاه می‌سازند، پس اگر جوانی نماز نخواند، آیا مقصر ملاها و علماست؟

پس منصفانه نیست که همه چیز را به دوش علما و ملاها بنهیم و آنها را مقصر مشکلات مان بدانیم.

در حقیقت این نقشه دشمن است و می‌خواهد از این طریق در بین مردم و علمای‌شان فاصله ایجاد کند و در نتیجه آنان را از دین و خدا و قرآن جدا سازد.

پس از این اتهامات، اهانت‌ها و بدبینی‌ها نسبت به علما پرهیزیم و به آسیاب دشمن آب نیندازیم.

به علما اعتماد کنیم و احترامشان را حفظ نماییم و جایگاه و مقام والای آنها را در نظر بگیریم؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ [المجادلة: ۱۱]

«خداوند جایگاه کسانی که از شما ایمان آورده‌اند را بالا می‌برد و کسانی که به آنها علم و دانش داده شده، درجات بزرگی دارند».

همچنین بدانیم که پس از پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی ﷺ پیامبر دیگری نمی‌آید و علما وارثان انبیاء ﷺ هستند؛ چنانکه

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». [سنن الترمذی: ۲۶۸۲]

«علما، میراث‌بران و جانشینان انبیا هستند».

پس احترام به آنها یعنی احترام به پیامبران الهی.

شاید عده‌ای بگویند که برخی ملاها فلان کارهای زشت را انجام می‌دهند؛ مثلا حرام می‌خورند، فتوای بی‌جا می‌دهند، مسلمانان را تکفیر می‌کنند و باعث بیزاری مردم از دین می‌شوند؛ پس

چگونه آنها را وارث انبیاء ﷺ بدانیم و احترامشان کنیم؟!

برای دریافت جواب و دست‌یابی به حقیقت، باید امور ذیل را در نظر بگیریم:

۱- علما معصوم نیستند!

درست است که علما فضیلت خاصی نسبت به عموم مردم دارند و شریعت اسلام آن‌ها را به عنوان وارث انبیا علیهم‌السلام و پیشوای مردم معرفی کرده است؛ اما باز هم آن‌ها انسان‌اند، معصوم نیستند و براساس طبیعت و سرشت انسانی‌شان دچار، خطا، اشتباه و حتی گناهان کبیره می‌شوند.

پس لغزش‌ها، خطاها و گناهان تعدادی از آن‌ها دلیل بر بدی علمای واقعی نمی‌شود و نباید به خاطر ارتکاب گناهی، جایگاه و فضیلت‌شان را ندیده بگیریم؛ چون با توبه و پشیمانی، گناه انسان از بین می‌رود و مانند کسی می‌شود که گویا هیچ گناهی مرتکب نشده است؛ چنانکه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ». [سنن ابن‌ماجه: ۴۲۵۰]

«توبه‌کننده از گناه مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است».

فراموش نکنیم که حتی صحابه رضی الله عنهم که پس از پیامبران الهی، برترین انسان‌های روی زمین هستند هم معصوم نبودند و حتی برخی از آنها مرتکب گناه کبیره هم شدند ولی این از جایگاه و مقام والای‌شان چیزی را نمی‌کاهد.

پس علما معصوم نیستند و براساس سرشت انسانی‌شان اشتباه، خطا، گناه و معصیت از آنها سر می‌زند.

۲- علما دین نیستند!

اگر عالمی دچار اشتباه، خطا و گناه شد، یا فتوای بی‌جایی داد و کار زشتی مرتکب شد، دلیل نمی‌شود که در دین چنین چیزی وجود دارد و بگوییم که اگر این کار بد می‌بود، چرا فلان عالم انجام داد.

درست است که علما و دعوتگران سنگ دینداری و دفاع از آن را به سینه می‌زنند؛ اما این دلیل نمی‌شود که همه اعمال، رفتار و گفتارشان در دین وجود داشته باشد؛ زیرا همان‌طور که گفتیم

علما معصوم نیستند و براساس سرشت انسانی شان دچار اشتباه و گناه می‌شوند.

پس علما دین نیستند و براساس شخصیت آن‌ها در مورد دین قضاوت نکنیم.

باید انسان‌ها را به وسیله ترازوی دین بشناسیم، نه اینکه دین را به وسیله رفتار و عملکرد مردم.

۳- هر عمامه سفید عالم نیست!

در جوامع کنونی اگر فردی با کلاه یا عمامه سفید مرتکب خطا یا گناهی شد، مردم ما بدون چون و چرا و تحقیق و بررسی می‌گویند: فلانی ملا چنین کرد و این عادت‌شان است؛ آه از دست ملاها؛ این ملاها دنیا را خراب کردند و... در حالی که فرد خطاکار یک نفر است، نه همه ملاها.

از سویی هم همه کلاه سفیدان و عمامه سفیدان ملا و عالم و مولوی نیستند؛ چون امروزه هر کس و ناکسی عمامه به سر می‌کند و ادعای عالم بودن می‌نماید؛ در حالی که روخوانی قرآن را هم بلد نیست.

همچنین از مغازه داران و بازاریان گرفته تا دام داران و شبان گوسفندان، همه و همه کلاه سفید به سر دارند و این دلیل نمی شود که همگی ملا و عالم باشند.

به نظر شما من که به عنوان ملا یاد می شوم، اگر کلاهم را بردارم، جنسیتم تغییر می کند و در تحت قشر دیگری داخل می شوم؟ مکتبی می شوم یا دانشگاهی؟

کارگر می شوم یا بازاری؟ تا جایی که می دانم وقتی از مادر متولد شدم، هیچ مُهری به تنم و هیچ کلاهی به سرم نداشتم.

پس این بی انصافی ها برای چیست؟ اگر پزشکی در بیمارستان مرتکب گناهی شود، آیا بدین معناست که همه پزشکان چنین اند؟

اگر محصلی در دانشگاه کار زشتی انجام داد، آیا دلیل بر این می شود که همه دانشگاهی ها این گونه هستند؟

پس اندکی انصاف داشته باشیم و به خاطر گناه یک فرد یک قشر را محکوم نکنیم!

من هم از عالم‌نماهای مغرض شکم‌پرست ناراحتم و از کارهای زشت‌شان به الله متعال پناه می‌برم و اعلام براءت می‌کنم.

من هم از کسی که فتوای کشتن مسلمانان را می‌دهد، به ملت مسلمان ظلم می‌کند و مساجد و مراکز علمی را مورد انتحار و انفجار قرار می‌دهد، متنفر و بیزارم.

اما همه این کارهای ناروا و این جنایات وحشتناک دلیل نمی‌شود که یک قشر خاص را محکوم کنم که همه چنین‌اند.

به طور مثال، متأسفانه بسیاری از جنایات امروزی تحت نام اسلام انجام می‌گیرد و اگر بخواهیم مثل برخی از مردم، گناه افراد اندکی را به یک قشر بزرگ نسبت دهیم، مجبور می‌شویم که همان سخن دشمنان اسلام را به زبان برانیم که مسلمانان دهشتگر و تروریست‌اند.

پس منصفانه بیندیشیم و به محض دیدن کلاه و عمامه سفید، هرکسی را ملا نخوانیم و به قول معروف «هر گردی گردو و هر محاسین سفیدی بابا نیست».

۴- عالم باید علم داشته باشد!

یکی از نیازهای مبرم یک عالم و یک دعوتگر، علم و دانش است. نه تنها یک نیاز مبرم است؛ بلکه یک شخص، وقتی عالم گفته می‌شود که دانشی داشته باشد و هیچ‌کس به یک بی‌سواد و جاهل، عالم نمی‌گوید.

از یک لحاظ، علما مانند ظرف آب هستند که گل‌ها و درختان را آبیاری و تشنگان را سیراب می‌کند و این زمانی امکان‌پذیر است که خود ظرف آب داشته باشد.

پس اگر عالم و دعوتگر، علم و دانش کافی نداشته باشد، می‌خواهد چه چیزی را به مردم برساند و چگونه آن‌ها را به راه حق فرا خواند؟! پس هرکسی که عمامه یا کلاه سفید به سر دارد، عالم و دعوتگر نیست و افتادن به دنبال چنین افرادی، عواقب ناگواری در پی

دارد؛ چنانکه از عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَتَّزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَالًا، فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا». [صحیح البخاری: ۱۰۰]

«خداوند علم را با برچیدن آن از میان مردم نمی گیرد؛ بلکه با گرفتن (و مرگ) علما آن را می گیرد و برمی چیند، تا آن گاه که عالمی را باقی نمی گذارد و مردم سران جاهلی را برمی گزینند که از آن‌ها سؤال می شود و آنان نیز بدون آگاهی (و علم و دانش) فتوا می دهند، خود گمراه‌اند و دیگران را نیز گمراه می کنند».

به نظر شما اگر فردی آمد و ادعای پزشک بودن کرد و گفت که من از فلان کشور مدرک تحصیلی دارم و...؛ اما وقتی شما فرزند بیمار خود را نزدش بردید، نه تنها نتوانست تداوی کند که بدتر هم کرد و سرانجام مشخص شد که همه ادعاهایش دروغ بوده و هیچ مدرکی ندارد و اصلاً پزشک نیست، آیا این کار او به پزشکان

واقعی صدمه‌ای وارد می‌کند؟ آیا معنایش چنین می‌شود که تمام پزشکان دروغ‌گو و خاین و فریبکار هستند و با جان مردم بازی می‌کنند؟!

۵- عالم باید پرهیزگار باشد!

درست است که در جوامع کنونی، افراد زیادی ادعای عالم‌بودن می‌کنند و واقعا درس خوانده هستند؛ اما از سوی دیگر، برخی از این‌ها در احکام دینی و امور شرعی توجه چندانی ندارند و هرچه پیش آمد، خوش آمد؛ وارد شکم می‌کنند و اهمیتی نمی‌دهند که آیا این چیز حلال است یا حرام؟ پس آیا کارهای این افراد دلیل بر بدبودن یک قشر می‌شود؟ آیا می‌توانیم از این کارها چنین برداشت کنیم که همهٔ علما چنین‌اند؟

نخیر، اصلا هم چنین نیست؛ زیرا یکی از ویژگی‌های مهم یک عالم، پرهیزگار بودنش است؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸]

«از میان بندگان خدا، تنها علما می‌ترسند».

عالمی که به علم خود عمل نمی کند، تفاوتی با یک بی سواد و جاهل ندارد، پس آیا کارهای زشت او دلیل بر بدبودن علمای واقعی می شود؟

به طور مثال، خودتان تصور کنید که ماشین تان خراب شده و آن را نزد یک تعمیر کار ماهر بردید؛ اما آن تعمیر کار با اینکه واقعا ماهر بود، نه تنها ماشین تان را درست نکرد؛ بلکه تعدادی از ابزارهای مهمش را پنهانی برداشت و ماشین تان را خراب تر از گذشته تحویل داد.

پس به نظر شما همه تعمیر کارها چنین اند؟

۶- وظیفه علمای دعوت است!

یگانه وظیفه و مسئولیت علمای دعوت و نشر و پخش دین و اصلاح در بین بندگان است.

همان طور که بیان شد، علمای وارثان انبیاء علیهم السلام هستند و الله متعال از زبان فرستادگان خود نقل می کند:

﴿قَالُوا رَبَّنَا يَلْعَمُ إِنَّآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (۱۶) وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)﴾

«فرستادگان ما) گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما قطعاً فرستادگان (او) به‌سوی شما هستیم و بر عهدهٔ ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.»

همچنین از شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که در جواب قومش گفت:

﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ﴾ [هود: ۸۸]

«من جز اصلاح، تا آنجا که توانایی دارم، خواسته‌ای ندارم.»

پس وظیفهٔ علما دعوت و اصلاح جامعه در حد توان بشری‌شان است و کارهای حکومتی به حکام و مسئولین دولتی بستگی دارد و نباید بیشتر از توان بشری و محدودهٔ دسترسی و وظیفه‌ای علما و دعوتگران، انتظار داشته باشیم و در صورت دیدن مشکلی، آنها را مقصر بدانیم و مورد لعن و نفرین قرار دهیم.

مؤدب باشیم و برای فردای قیامت خودمان تلاش کنیم و بدانیم که با اهانت به انسان‌ها و علما نه تنها سودی حاصل نمی‌کنیم؛ بلکه گنهکار نیز می‌شویم و در روز قیامت هرکسی پاسخ‌گوی اعمال خودش هست.

فردی در نزد محمد بن سیرین رضی الله عنه به بدگویی حجاج بن یوسف پرداخت، محمد بن سیرین رضی الله عنه فرمود:

«خداوند حاکم دادگر است، انتقام حجاج را از کسی که غیبت او را کرده می گیرد؛ همان گونه که حجاج را به خاطر ظلمش در حق دیگران بازخواست می کند.» [احیاء علوم الدین، غزالی: ۱۵۳/۳]

حجاج یک حاکم ظالم بود و جنایات زیادی مرتکب شده بود؛ اما با این وجود ابن سیرین رضی الله عنه از غیبت او بازداشت. پس غیبت و بدگویی هیچ انسانی جایز نیست، حتی اگر فاسق و فاجر و ظالم باشد و هر کس در روز قیامت پاسخ گوی اعمال خود خواهد بود.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه أجمعین

از همین نویسندہ:

- ۱- آیا از عبادت کردن خسته می‌شوید؟
- ۲- اسلام به ذات خود ندارد عیبی...!
- ۳- برای برادرانم (۱)
- ۴- برای خواهرانم (۱)
- ۵- بی‌رحمی بزرگ
- ۶- چرا نمی‌پرسیم؟
- ۷- چگونه حمله‌های شیطان را دفع کنیم؟
- ۸- خودکشی نوین
- ۹- روزهای مبارک
- ۱۰- ز گهواره تا گور استادتم
- ۱۱- سراب خوشبختی
- ۱۲- سرزنش و پیامدهای آن
- ۱۳- طلاق شوخی‌بردار نیست
- ۱۴- گفتمان (بزرگ‌ترین راه حل)
- ۱۵- لعنت (تکیه کلام منفور)
- ۱۶- ما کجا و آن‌ها کجا؟
- ۱۷- ماه رجب (ویژگی‌ها و بدعت‌ها)
- ۱۸- ماه شعبان (فرصتی دیگر)
- ۱۹- نجات از اضطراب امتحان

برای دانلود هرکدام، روی اسم آن کلیک کنید